گزارش یک

هادی غلامحسینی

بی‌توجهی مردم به اطلاعیه‌های سهام عدالت دولت

دولت از مدیریت و مالکیت سهام عدالت دل بکند

علی پوردهقان | جوان

به‌رغم انتشار چند اطلاعیه توسط سازمان خصوصی‌سازی مبنی بر اعلام شماره شبای مشمولان سهام عدالت جهت دریافت سود اما بیش از ۱۰میلیون نفر هنوز شماره شبای خود را در سیستم وارد نکرده‌اند و طبق اعلام وزارت اقتصاد سامانه سهام عدالت از فردا به مدت ۱۰ روز از دسترس خارج می‌شود، به نظر می‌رسد به دلیل نامشخص بودن چشم‌انداز سهام عدالت و زمان آزادسازی سهام عدالت مردم چندان به اطلاعیه‌های دولتی اقبال نشان نداده‌اند و مبلغ درآمدی مدنظر سازمان خصوصی‌سازی از محل دریافت مابه‌التفاوت سهام عدالت محقق نشده است.

۱۰ سال از زمان اجرای طرح سهام عدالت می‌گذرد و اگر مجموع این سهام در این مدت به طور میانگین ۱۰ درصد بازدهی می‌داد امروز همزمان با اتمام دوره اجرای طرح باید سهام عدالت بیش از ۴۹میلیون ایرانی آزادسازی می‌شد، با این حال دولت مدعی است بخشی از اقساط دولت برای آزادسازی طرح پرداخت نشده است و بر همین اساس بر ۱۰۰درصد سهام عدالت حکمرانی می‌کند، این در حالی است که مردم نیمی از اقساط را پرداخت کرده‌اند و حق دارند حداقل از نحوه مدیریت سهام عدالت که ارزشش بیش از ۵۰ هزار میلیارد تومان برآورد می‌شود، مطلع باشند.

به گزارش «جوان»، سهام عدالت از سال ۸۵ و ۸۶ با اهداف بسیار متعالی آغاز به کار کرد و با وجودی که سه دولت نهم و دهم و یازدهم با آن درگیر بودند و ماجرای این طرح به دولت دوازدهم نیز کشیده شده است، چشم‌انداز مشخصی متوجه این طرح نیست، این در حالی است که ۴۹ میلیون ایرانی از سهام عدالت آثار ملموسی طی ۱۰ سال گذشته ندیده‌اند و هم اکنون نیز مقامات دولتی می‌گویند در این سال‌ها از محل سود سهام عدالت تنها نیمی از اقساط دولت پرداخت شده و سهام عدالت تا آزادسازی با کسری ۵۰ درصدی روبه‌رو است.

■ آزادسازی ۱۰ سال دیگر؟

به عبارت ساده‌تر ۱۰ سال گذشته است و در این ۱۰ سال سهام عدالت به طور میانگین تنها سالانه ۵ درصد سود داشته است، از همین رو تاکنون فقط نیمی از اقساط دولت جهت آزادسازی سهام پرداخت شده است و اگر سهام عدالت با همین فرمان هدایت شود ۱۰ سال دیگر باید بگذرد تا کل اقساط دولت برای آزادسازی طرح پرداخت شده و در نهایت سهام عدالت در سال ۱۴۰۶ آزادسازی شود یا اینکه دولت با نگاه درآمدزایی باقی‌مانده سهام را به مردم بفروشد!

■ درآمدزایی دولت از سهام عدالت

دولت مدعی است زمان طرح ۱۰ ساله بوده و به اتمام رسیده است و سهامدارانی که خواهان آزادسازی سهام عدالت خود هستند باید الباقی و کسری اقساط را به خزانه واریز کنند، یعنی هر فرد از محل عملکرد ۱۰ ساله سهام ۵۰۰ هزار تومان از اقساط دولت را داده است و باید حدود ۵۰۰هزار تومان دیگر نقدی پرداخت کند تا سهام عدالت آزاد شود، حال این پرسش مطرح می‌شود که از کجا معلوم بازدهی سهام عدالت در ۱۰ سال بعد سالی ۵درصد باشد چراکه قرار نیست سهام عدالت به شکلی آزادسازی شود که هر فرد دارنده سهام عدالت یک شرکت مشخص مانند بانک باشد و مقرر شده که عایدی هر فرد مشمول سهام عدالت از محل میانگین سود تقسیمی کل مجموعه دارایی‌های سهام عدالت باشد که این امر می‌تواند چشم‌انداز سودآوری سهام عدالت را با ابهاماتی در تحلیل روبه‌رو کند، البته باید عنوان داشت که در واقع سهامی وجود ندارد که آزادسازی شود و انجام این امور زمان زیادی می‌برد، کما اینکه قرار نیست سهام آزاد شود و باید به ETF یا صندوق سرمایه‌گذاری قابل معامله در بورس تبدیل شود و خروجی این اتفاق می‌تواند واحدهای سرمایه‌گذاری با نام سهام عدالت باشد.

از زمان اجرای طرح سهام عدالت یک رانت عظیمی در مدیریت بیش از ۶۰ شرکت سهام عدالتی وجود داشته و از این گذشته در توزیع سهام عدالت نیز رانت دیگری اتفاق افتاده است، به طور نمونه عده‌ای متناسب با ضریب نفوذ خود بهترین بنگاه‌های سهام عدالتی مانند بانک‌ها را در اختیار خود گرفته‌اند، حال با این وجود رانت ۱۰ ساله با بسیاری از اتفاق‌های ناخوشایندی که از ذکر آن خودداری می‌کنیم، غیرقابل انکار است اما برای تعیین تکلیف طرح باید توجه داشت که مجموع دارایی‌های سهام عدالت اعم از شرکت‌های بورسی و غیربورسی باید درون صندوق سرمایه‌گذاری قابل معامله در بورس تحت عنوان ETFقرار گیرد که بازدهی سالانه این صندوق‌ها از طریق واحدهای سرمایه‌گذاری صندوق که در واقع حکم برگه سهام عدالت را دارد، بین مردم توزیع می‌شود (حال می‌توان واحدهای صندوق‌های سرمایه‌گذاری سهام عدالت را قابل یا غیرقابل واگذاری یا معامله در بورس تعریف کرد).

■ ETF یا صندوق سرمایه‌گذاری قابل معامله در بورس چیست؟

ETF در واقع «صندوق سرمایه‌گذاری قابل معامله در بورس» است. سهام صندوق‌هایی که معمولاً در انواع مختلف دارایی‌ها با نسبت گوناگون سرمایه‌گذاری می‌کنند. (وجه نقد، اوراق مشارکت، سهام و سایر دارایی ها) ETFها سهامی توزیع می‌کنند که در بورس معامله می‌شوند و نقدینگی و شفافیت قیمت نسبتاً بالایی دارند. ETFهایی وجود دارند که در تمام انواع دارایی‌ها نظیر سهام بورسی، اوراق مشارکت، بازار املاک و سایر دارایی‌ها پخش شده‌اند. بعضی از این صندوق‌ها(ETF) شاخص‌های وسیعی را پوشش می‌دهند و بعضی دیگر بر بخش‌های خاصی از یک کلاس دارایی، همچون سهام شرکت‌هایی خاص در یک صنعت یا اوراق مشارکت بلندمدت تمرکز دارند.

ETFها معمولاً در سبد خود سهام و دارایی‌های متنوعی دارند که به سرمایه‌گذاران این امکان را می‌دهد به این مجموعه متنوع از سرمایه‌گذاری‌ها به آسانی خرید سهام یک شرکت و با هزینه کمتر دسترسی داشته باشند.

■ سازمان خصوصی‌سازی به حق مالکیت مردم در مدیریت هم احترام بگذارد

در این میان نکته جالب این است که دولت و به طور مشخص سازمان خصوصی‌سازی با این بهانه که دوره اجرای طرح به اتمام رسیده از مردم شماره حساب گرفته است تا سود ناچیز سهام عدالت را به حساب آنها بریزد، این در حالی است که هنوز اقساط دولت برای آزادسازی پرداخت نشده است و مشخص نیست چرا سازمان با هماهنگی با مجلس و دولت طرحی را عملیاتی نمی‌کند تا جهت تسریع در آزادسازی سهام کل سود سهام عدالت به حساب خزانه واریز شود یا اینکه در همین شرایط فعلی به سرعت صندوق‌های سرمایه‌گذاری ETF تبدیل شود تا شرکت‌های سرمایه‌پذیر بورسی و غیربورسی سهام عدالت دارایی‌های شان به این مجموعه منتقل و واحدهایی تحت عنوان سهام عدالت برای مردم صادر شود تا چشم‌انداز طرح شفاف شود.

■ صندوق سرمایه‌گذاری سهام عدالت راه‌اندازی شود

در این بین باید عنوان داشت که حداقل نیمی از اقساط دولت از محل سود شرکت‌های سهام عدالت پرداخت شده و مدت‌زمان طرح هم که به اتمام رسیده است، از این رو دولت باید به حق مالکیت ۵۰ میلیون مشمول طرح سهام عدالت احترام بگذارد و اجازه دهد نمایندگان مردم در هیئت مدیره شرکت‌های بورسی و غیربورسی سهام عدالت را نمایندگی کنند، زیرا هم اکنون نماینده دولت یا نماینده سهام عدالت در واقع یک نفر است که این امر بی‌شک به سود مشمولان طرح سهام عدالت نیست زیرا نماینده دولت، نماینده دولت است و تصمیمات و رفتارهایش مشخص است که مبتنی بر چه رویکردی خواهدبود.

در این میان باید توجه داشت که راه‌اندازی صندوق سرمایه‌گذاری برای تعیین تکلیف سهام عدالت منافاتی با طلب دولت از سهام عدالت ندارد، زیرا سهام عدالت می‌تواند از طریق صندوق‌های سرمایه‌گذاری تعیین تکلیف شود و تا زمانی که کل حقوق دولتی از محل عملکرد صندوق پرداخت نشده است، سودی به مردم ارائه داده نشود و از بعد از پرداخت اقساط دولت سود حاصله صندوق به مردم ارائه شود. حسن این اقدام این است که سهام عدالت شفاف‌تر اداره و از شرایط مبهم و مفسده‌برانگیز فعلی خارج خواهد شد.

حدود ۱۱ سال از عمر سهام عدالت می‌گذرد و با این دارایی طی سال‌های مذکور بسیار بدرفتاری شده است. حال رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس که خوب به زیر و بم طرح سهام عدالت آشناست و در همه این سال‌ها مفاسد موجود در شرکت‌های مذکور و خیانت امانتداران در هیئت مدیره شرکت‌های سهام عدالت را نظاره‌گر بوده بر این باور است که اقدام دولت در راه‌اندازی سامانه سهام عدالت و صدور یک سند بی‌ارزش صورتحساب حرکتی غیرکارشناسی و نمایشی بود.

خبر

لایحه دائمی‌شدن قانون مدیریت خدمات کشور در مجلس

معاون حقوقی مجلس و نظارت سازمان اداری و استخدامی گفت: پرداخت تفاوت تطبیق در «حقوق ثابت» که در بودجه سال ۹۶ آمده است، منجر به احیای حقوق‌های مادام‌العمر می‌شود.

نصرالله ترابی در گفت‌وگو با فارس، در خصوص تبصره ۱۲ قانون بودجه سال ۹۶ که تفاوت تطبیق حقوق در «حکم حقوق ثابت» آمده است، اظهار داشت: این موضوع در لایحه و سنوات قبل در حکم «حقوق» در نظر گرفته می‌شد و شورای توسعه در بخشنامه‌ای اعلام کرد تفاوت تطبیق مانند سنوات گذشته عمل خواهد شد. معاون حقوقی مجلس و نظارت سازمان اداری و استخدامی با بیان اینکه دو برداشت از آنچه در مجلس به قانون تبدیل شد صورت می‌گیرد، گفت: اول آنکه عبارت ذکر شده در بودجه مثل گذشته در همان حکم حقوق باقی باشد و مشمول کسر کسور نشود و دیگر اینکه در «حکم حقوق ثابت» باقی بماند که مشمول کسر کسور خواهد شد و در بازنشستگی نیز مؤثر است. وی به فلسفه پرداخت تفاوت تطبیق اشاره کرد و افزود: با توجه به اینکه در سال ۸۸ با اجرای قانون مدیریت خدمات کشوری حقوق عده‌ای کاهش یافت، موضوع تفاوت تطبیق مطرح شد تا سطح حقوق کاهش نیابد و به مرور کم شود. تفاوت تطبیق در «حکم حقوق ثابت» یعنی آنکه تفاوت تطبیق همیشگی خواهد ماند و با فلسفه قانون متفاوت است. معاون حقوقی مجلس و نظارت سازمان اداری و استخدامی افزود: اگر تفاوت تطبیق و «حکم حقوق ثابت» تلقی شود با توجه به تفسیر برخی دستگاه‌ها، حقوق‌های مادام‌العمر ایجاد خواهد شد و بار مالی سنگین نیز برای دولت و صندوق‌های بازنشستگی دارد. وی تأکید کرد: علامت نگارشی که منجر به تفاسیر گوناگون شده درست نیست و قطعاً اصلاح خواهد شد.

ترابی با اشاره به اینکه ۸۰ درصد حقوق دوره مسئول به عنوان تفاوت تطبیق حقوق بوده و اگر در حکم حقوق ثابت باشد روی دیگر ضرایب نیز تأثیر گذاشته و بار مالی دارد، گفت: این موضوع در فاکتورهای دیگر حقوق تأثیر خواهد گذاشت و مراد قانونگذار و دولت همان رویه قبلی است.

خبر

هشدار به خرید آیفون‌های ۱۰ میلیونی

رئیس اتحادیه دستگاه‌های مخابراتی از پیگیری موضوع خرید و فروش مدل جدید گوشی‌های آیفون در بازار تهران که با قیمت‌های حدود ۱۰ میلیون تومان معامله می‌شوند، در سازمان حمایت از مصرف کننده خبر داد.

به گزارش مهر، غلامحسین کریمی با اشاره به عرضه گوشی‌های جدید آیفون در بازار تهران و گران‌فروشی صورت گرفته در این زمینه اظهار داشت: قیمت‌های ارائه شده برای این کالا، مصداق کامل سوءاستفاده است و ما از مردم می‌خواهیم اقدام به خرید این کالا نکنند. وی با بیان اینکه در بازار موبایل همیشه عده‌ای سعی دارند از شرایط به وجود آمده سوءاستفاده کنند، تأکید کرد: خریداران چند هفته‌ای تحمل کنند تا کالای اصلی توسط نمایندگی‌های رسمی و با گارانتی در اختیارشان قرار گیرد. کریمی با اعلام پیگیری گران‌فروشی صورت‌گرفته در خصوص فروش آیفون‌های جدید، ادامه داد: موضوع را با سازمان حمایت از مصرف کننده در میان می‌گذاریم و با افرادی که اقدام به فروش این گوشی‌ها به این رقم و دریافت سود غیرمعقول می‌کنند، برخورد خواهیم کرد. وی با تأکید براینکه بررسی‌ها نشان می‌دهد این گوشی‌ها ۱۰۰ درصد گران‌تر از قیمت واقعی در بازار ایران در حال معامله است، گفت: خریداران در صورت تمایل به خرید این کالا با این قیمت، حتماً فاکتور فروش دریافت کنند و می‌توانند با ارائه فاکتور فروش، اعتراض و شکایت خود را از گران‌فروشی صورت گرفته از طریق اتحادیه دستگاه‌های مخابراتی اعلام کنند.

رئیس اتحادیه دستگاه‌های مخابراتی افزود: درصورتی که این تخلف ثابت شود و میزان ضرر تأیید شود، موضوع حتی به سازمان تعزیرات حکومتی نیز ارائه خواهد شد. کریمی با اشاره به اینکه هم اکنون ۲۰ شرکت از سازمان حمایت از مصرف کننده مجوز واردات گوشی‌های اپل را گرفته‌اند، ادامه داد: این شرکت‌ها ملزم به ارائه گارانتی رسمی به خریداران هستند و گوشی‌های جدید آیفون که از روز گذشته وارد بازار شده به هیچ عنوان از سوی این شرکت‌ها وارد نشده است.

انرژی

کیفیت بنزین تهران کم شد

نتایج پایش کیفیت سوخت شهر تهران در تابستان نشان می‌دهد گوگرد در بنزین عرضه شده در پایتخت به صورت نگران‌کننده‌ای افزایش داشته است.

به گزارش تسنیم، نتایج گزارش پروژه پایش کیفیت سوخت شهر تهران در تابستان ۱۳۹۶ نشان می‌دهد در سوخت بنزین عرضه شده در جایگاه‌ها، عدد اکتان پایین، محتوای گوگرد و بنزن بالا و در سوخت دیزل عدد ستان پایین و محتوای گوگرد استاندارد است. کیفیت پایین یا بالای سوخت، تأثیر بسزایی بر آلودگی هوای شهر دارد.

طبق اعلام رسمی شرکت کنترل کیفیت هوای تهران، با توجه به نقش ۸۵ درصدی منابع متحرک بر آلودگی هوای شهر تهران و تأثیر انکارناپذیر کیفیت سوخت بر آلودگی خروجی از خودروها، شرکت کنترل کیفیت هوای شهرداری تهران، پارامترهای مؤثر کیفیت سوخت بر تولید آلاینده‌ها را به صورت فصلی مورد بررسی و پایش قرار می‌دهد. به گفته وی در پروژه مذکور نمونه‌های تصادفی از جایگاه‌های شهر برداشت و به آزمایشگاه‌های معتبر ارسال می‌شود. در این راستا پارامترهای مؤثر بر آلودگی از سوخت خودروها مورد آنالیز قرار گرفته و در نهایت گزارش آن در اختیار عموم مردم و کارشناسان قرار می‌گیرد.

«وحید حسینی» مدیر عامل شرکت کنترل کیفیت هوای تهران در خصوص نتایج آنالیز سوخت بنزین گفت: در پروژه آنالیز سوخت بنزین تابستان سال ۱۳۹۶، تعداد ۱۰ نمونه سوخت بنزین با نمونه‌برداری مستقیم بنزین یورو ۴ و بنزین سوپر از پنج جایگاه سوخت‌رسانی شهر تهران شامل سهروردی بعد از بهشتی، مفتح، شریعتی سر بهار، شریعتی معلم و خرمشهر جمع‌آوری و برای آنالیز به یک آزمایشگاه داخلی معتبر فرستاده شد. به گفته حسینی، این نتایج نشان می‌دهد سوخت بنزین عرضه شده در تهران عدد اکتان پایینی دارد اما میزان گوگرد و بنزن آن از حد استاندارد بیشتر است. علاوه بر این همه نمونه‌های تست شده نشان می‌دهند گوگرد بنزین‌های یورو۴ بیشتر از محتوای گوگرد بنزین‌های سوپر است.

حسینی درباره نتایج آنالیز سوخت دیزل خاطرنشان کرد: در بررسی سوخت دیزل عرضه شده در فصل تابستان سال ۱۳۹۶ تعداد پنج نمونه سوخت دیزل با نمونه‌برداری مستقیم از جایگاه‌های سوخت‌رسانی شهر تهران جمع‌آوری شده و جهت آنالیز به آزمایشگاه معتبر ایرانی ارسال شد. جایگاه‌های منتخب شامل پمپ دیزل ترمینال آزادی، تهرانسر، هنگام، ترمینال شرق و فتح بودند. نتایج آنالیز محتوای گوگرد نشان داد محتوای گوگرد همه نمونه‌های سوخت دیزل در محدوده مجاز قرار دارند. پیش از این نتایج آنالیز نمونه‌های گازوئیل در نمونه‌های فصل بهار بالاتر از حد استاندارد بود ولی در فصل تابستان غلظت محتوای گوگرد در شرایط مطلوبی قرار گرفت.

یادداشت

مهران ابراهیمیان

اعتیاد تعرفه‌ای و اجحاف به مصرف‌کننده!

برخی کوته‌بینان اقتصادی که معمولاً الفبای اقتصادی را نمی‌دانند، براین باورند که هر کس از کاهش تدریجی تعرفه‌های بالا که به نام تولید وضع شده‌اند، سخن بگوید، حامی اقتصاد لیبرالی وعاملی برای هضم شدن در سازمان تجارت جهانی است. در حالی که مکانیسم تعرفه در حمایت از تولید در کشورهای مبدع آن مانند انگلیس در دوران مرکانتلیسم که به طرز خشنی از واردات پارچه از هند جلوگیری کرد، حمایتی ابدی و دائمی نبود و در عین حال این حمایت فرصتی برای ظهور و بروز استعدادهای شهروندان و درون‌زایی تولید بود که بعدها با تکیه بر دانش بومی و اختراع ماشین‌های بخار، هر دستگاه کار هزاران روز-نفر را در صنعت نساجی انجام می‌داد بررسی برخی تعرفه‌های سنگین در فضای اقتصادی ایران نشان می‌دهد نظام تعرفه‌ای در بلندمدت نه تنها قدرت رقابت را در تولید کالاهای با تعرفه بالا کاهش می‌دهد بلکه ریسک قاچاق را توجیه‌پذیر می‌کند و از آن مهم‌تر کالایی که به دست مصرف‌کننده می‌رسد بی‌کیفیت و گران‌تر از کالاهای مشابه خارجی است.

مهم‌ترین نمادهای این موضوع را می‌توان به خصوص در تولید بنگاه‌های بزرگی دید که از پشتوانه‌های قوی دولت در تعیین نرخ تعرفه‌های بالا بهره می‌برند و بی‌توجه به درون‌زایی هر روز به شعبه فروش کالا برای برندهای خارجی بدل می‌شوند تا بلکه حقوق کارکنان خود را با واردات تأمین کنند! صنایع فولادی که اکنون فقط شمش و تیرآهن و محصولات با فناوری پایین را تولید می‌کنند یا خودروسازانی که ضریب مونتاژکاری‌شان در این سال‌ها بیشتر شده از جمله این ایرادات بزرگ و تأسف‌آور است.

اساساً تعرفه‌ها برای این برقرار می‌شود تا در یک بازه زمانی معلوم، تولید داخلی را بیشتر کنند و در مقابل رقبای خارجی از آنها حمایت شود اما ادامه روند حمایت با روش تعرفه‌ای به خصوص در کشوری که اقتصادش بر توزیع منابع و رانت آغشته است، نتیجه‌ای معکوس می‌دهد، به نحوی که در نهایت نه تنها تولیدات از لحاظ کیفیت و قیمت رقابت خود را از دست می‌دهند بلکه قیمت تمام‌شده گران‌تر را نیز به مردم و به نام حمایت از تولید تحمیل می‌کنند. در چنین حالتی نظام تعرفه‌ای به ماده مخدره‌ای بدل می‌شود که دولت آن را میان بنگاه‌ها توزیع کرده است. بدیهی است رویکرد دولت در این باره مسیر تولید را دقیقاً مانند یک معتاد به مواد مخدر تعیین می‌کند، یعنی می‌تواند در پاسخ به اثرات ماده مخدره هر سال آن را افزایش بدهد و نشئگی مفردی را برای بنگاه‌های ناکارآمد و با بهره‌وری پایین ایجاد کند و دولت نیز از سود ناشی از درآمد حاصل روزگار را سپری کند اما در رویکرد دیگر دولت با روش چینی ترک اعتیاد و با رقیق کردن دوز ماده مخدره بنگاه‌ها را از رخوت و ناکارآمدی بیرون بکشد و درآمد خود را نه از محل تعرفه‌های وارداتی که از مسیر تولید قابل رقابت اخذ کند!

به عبارت دیگر در زمان حاضر اعمال تعرفه در قیمت یک محصول مانند خودرو نه بر اساس قیمت تمام شده منطقی (از منظر اقتصاد خرد) که بر اساس ناتوانی بنگاه و قدرت چانه‌زنی بنگاه‌های خودروسازی یا فولادسازی و امثال آنها در عرصه‌های تصمیم‌سازی سیاسی صورت می‌گیرد، از این رو نظام تعرفه‌ای در ایران با چنین رویکردی و به نام تولید اما به کام مدیران ضعیف و بله قربان گو اما با قدرت‌لابی بالا تعیین می‌شود و هر روز کالاهای تولید شده را غیرقابل رقابت می‌کند که هم از لحاظ کیفی و هم از لحاظ قیمتی افت می‌کنند.

همان طور که در مثال اعتیاد مطرح کردیم در سوی دیگر این نظام تعرفه‌ای نیز از آنجا که دولت در وضع تعرفه‌ها ذینفع است و حجم زیادی از بودجه را به خود اختصاص می‌دهد با وضع چنین تعرفه‌هایی هر روز بدنه پرهزینه خود را سنگین‌تر می‌کند و در اقدامی مشترک به دنبال وضع تعرفه‌های بیشتر و درآمدهای راحت اینچنینی نبوغ خود را به کار می‌برد، به عنوان مثال در خبرها بار دیگر زمزمه واردات خودروهای گران و با حجم بالاتر از ۲هزارو۵۰۰ سی‌سی را مطرح کرده‌اند. آن هم با این تدبیر که: هرچه خودروی وارداتی گران‌تر باشد، سود بازرگانی آن نیز برای دولت بیشتر می‌شود! بدیهی است در این روش جدید نه فقط مردم به شکل عام و با تحمیل خودروهای بی‌کیفیت و گران ضرر می‌کنند بلکه عاشقان خودروهای لوکس (لاچری‌بازها) نیز در تلاشی رقابتی و مخرب و برای پرداخت میلیاردها تومان پول برای یک خودرو، برای جبران این کار دولت و رسیدن به سودهای غیرعقلانی در تجارتشان اهتمام بیشتری خواهند داشت که باز هم هزینه سوار شدن این خودروها را مردمی خواهند داد که باید اجناس را گران‌تر بخرند؛ گرانی‌ای که از یک سو به نام تولید اما به دلیل ناکارآمدی بنگاه‌های معتاد به تعرفه است و از سوی دیگر به عشق سوار شدن خودروهای لاکچری!

گزیده خبر

از لحاظ فکری با انحطاط مدیریتی مواجهیم

ابراهیم رزاقی با طرح این سؤال که با حاکمیت نگاه وابستگی به خارج چگونه می‌توان امید به تأمین منافع ملی داشت، گفت: با توجه به رفتارها و نگاه‌های مدیریتی دولت‌های یازدهم و دوازدهم به نظر می‌رسد، در کشور با انحطاط مدیریتی به لحاظ فکری مواجهیم.

به گزارش پردیس خودرو، این استاد دانشگاه با اشاره به صحبت‌های اخیر وزیر صنعت در خصوص حمایت همه‌جانبه از برند پژو گفت: متأسفانه این نگاه در بدنه دولت وجود دارد و بسیاری از وزرای دولت مانند وزیر صنعت فکر می‌کنند. وی با بیان اینکه انقلاب اسلامی آمد تا نشان دهد ما می‌توانیم، خاطر نشان کرد: مبانی ارزشی انقلاب اسلامی به ما می‌آموزد که با مدیریت جهادی، برنامه‌ریزی درست و اتکا به ظرفیت‌های داخلی می‌توانیم خودمان در عرصه‌های مختلف پیشرو باشیم. رزاقی با طرح این سؤال که با چنین طرز فکرهایی چگونه می‌توان امید به تأمین منافع ملی داشت، گفت: با توجه به رفتارها و نگاه‌های مدیریتی دولت یازدهم و دوازدهم به نظر می‌رسد با انحطاط مدیریتی در ایران به لحاظ فکری مواجهیم. وی در ادامه افزود: این افراد فکر می‌کنند که ما نمی‌توانیم. انحطاط فکری به حدی در بدنه دولت کنونی بالاست که وزیر سابق اقتصاد در دولت یازدهم عنوان کرد باید از خارج مدیر وارد کنیم. این استاد دانشگاه با اشاره به سابقه بد سیاسی و اقتصادی فرانسه در مقابل ایران گفت: چند دهه است که پژو در ایران فعالیت می‌کند. آیا در طول این سال‌ها بیشتر منافع ملی ایران تأمین شده یا منافع شرکت پژو؟

ادیب: واردات ۴۵ درصد سود سالانه دارد!

به ادعای دکتر محمدحسین ادیب اقتصاددان طی یک کار تحقیقاتی که تحت نظارت وی انجام شده سودآورترین کسب‌وکار، بخش بازرگانی مرتبط با تجارت خارجی است.

به گزارش «جوان» این اقتصاددان مدعی شده است در بررسی مذکور، اختلاف قیمت عمده‌فروشی ۱۰۰ قلم کالا در شرق آسیا و اروپا با خرده‌فروشی در ایران، به وسیله تیم تحقیقاتی تحت نظارتی‌اش مقایسه شده و اختلاف قیمتی به طور متوسط ۷۶ درصد بود! در تحقیق مذکور ۷۶درصد اختلاف قیمت تمام شده برای مصرف‌کننده ایرانی و آسیای شرقی به شرح زیر تقسیم شده است: هزینه حمل: ۴ تا ۸ درصد، سود واردکننده: ۱۵ درصد، هزینه‌های گمرکی: ۲۳ درصد، سود عمده فروش و خرده فروش: ۳۰ درصد. دکتر ادیب همچنین در مطلبی که در تلگرام خود گذاشته معتقد است: واردکننده سه بار در سال گردش عملیاتی دارد، بنابراین از مجموع سرمایه خود می‌تواند از مسیر واردات سود سالانه ۴۵درصد کسب کند و در پایان نتیجه گرفته است: سود هیچ کسب و کاری در سطح واردات نیست. در عین حال برخی واردکنندگان در واکنش به این ادعا ضمن رد این اظهارات معتقدند سود آنها با احتساب هزینه‌های مختلف و جانبی کمتر از ۵ درصد است. با این حال اگر اختلاف قیمت ۷۶ درصدی را در ۱۰۰ قلم کالا درست فرض کنیم، کسب سود از سوی واردکننده ممکن است کمتر باشد ولی در هر صورت سودباقی مانده در بخش‌های دیگر تقسیم می‌شود، لذا بی‌جهت نیست که حتی گفته می‌شود برخی بانک‌ها خود رأساً در واردات کالاها ورود و حتی کالایی مانند برنج وارد کرده بودند!

نکته

وحید حاجی‌پور

کارگران قربانی چه چیزی می‌شوند؟

اعتصاب و اعتصاب؛ از فازهای پارس‌جنوبی گرفته تا پالایشگاه ستاره خلیج‌فارس و شرکت‌های دیگر. اخراج و اخراج از شرکت حفاری شمال تا شرکت‌های زیرمجموعه صندوق‌های بازنشستگی، همه و همه تبدیل به روال ثابتی طی چهار سال اخیر شده است.

قراردادهای کاری که به پایان می‌رسد راه خروج نشان داده می‌شود و آنهایی که مانده‌اند باید «پیه» چند ماه بی‌حقوقی را به تن بمالند و دعا کنند کارفرمایان بدهی پیمانکاران را پرداخت کنند؛ پرداخت کنند تا آنها هم به حق و حقوق خود برسند، این میان هم همه چیز بر سر پیمانکار می‌شکند در حالی که مشکل جای دیگری است.

این وضعیت در پارس‌جنوبی بیشتر از سایر بخش‌های وزارت نفت دیده می‌شود، اعتصابات و تجمعات به یک روال عادی تبدیل شده است به‌طوری که اگر هفته‌ای تجمعی صورت نگیرد باید به وضعیت موجود شک کرد. در هیچ دوره‌ای از تاریخ صنعت نفت طی دو دهه اخیر وضعیت به این شکل نبوده است، حتی در دوره تحریم ولی متأسفانه طی چهار سال گذشته وضعیت به شکل غیرقابل باوری به سوی به‌هم‌ریختگی سیستمی پیش می‌رود. وزارت نفت و شرکت‌های کارفرمایی زیرمجموعه آن، پول پیمانکاران را نمی‌دهد، چه دولتی چه نیمه‌خصوصی و چه خصوصی. می‌گویند پول نداریم. می‌گویند برای پرداخت حقوق خود دچار مشکل هستیم که آمار و ارقام آن را رد می‌کند چراکه فقط با سهم وزارت نفت از فروش گاز به پتروشیمی‌ها ردیف پرداخت حقوق و دستمزدهای کارکنان تأمین می‌شود.

می‌گویند پول نیست اما در صندوق‌های بازنشستگی نفت انواع ولخرجی‌ها دیده می‌شود و حساب ۵۰ میلیارد تومانی و سود شیرین آن که به حساب تعدادی از مدیران نفت به صورت مخفیانه واریز می‌شود، با بی‌تفاوتی وزارت نفت همراه است. می‌گویند پول نیست اما باقی مانده ۱۴ میلیارد دلاری که از صندوق توسعه ملی در اختیار وزارت نفت قرار گرفته است برای پرداخت بدهی‌ها در نظر گرفته نمی‌شود. پروژه‌ای هم که به شرکت‌های ایرانی داده نمی‌شود تا پیمانکار مجبور باشد بخشی از نیروهای خود را اخراج کند و حقوق بخشی دیگر را نتواند واریز کند. چرا، چون وزارت نفت می‌گوید پول ندارد البته که پول دارد و اینکه چرا بدهی‌های خود به شرکت‌های پیمانکار را پرداخت نمی‌کند، عجیب است. از «کلیم»های شرکت‌های بزرگ می‌گویند ولی نمی‌گویند چه میزان کلیم امضا شده و پول آن توسط این شرکت‌ها دریافت شده است که اگر افشا شود، پیمانکاران جزو دسته دوم به بعد، خود را برای نقد کردن طلب خود آماده می‌کنند.

عدم‌چاره‌اندیشی برای این وضعیت و بی‌تفاوتی به شرایط معیشتی نیروهای این شرکت‌ها موجب شده است برخی از آنها به نان شب خود محتاج باشند. چنین وضعیتی قطعاً به ضرر کشور است؛ رکود کامل در فعالیت‌های صنعت نفت از یک سو و عدم‌پرداخت مطالبات شرکت‌ها حتی به‌صورت قطره‌چکانی از سوی دیگر برای نظام جمهوری اسلامی ایران خطرآفرین است. وزارت نفت می‌گوید پول ندارد و برای هزینه‌های جاری خود به مشکل خورده است اما در همین بی‌پولی مورد ادعا، کنگره‌های بسیاری از محل بودجه شرکت‌ها برگزار شده و به این شرکت‌ها حکم می‌شود، باید اسپانسر این مراسم‌ها باشند؛ روی بی‌پولی مانور داده می‌شود ولی خرج‌های آنچنانی برای مدیران جایز می‌شود. اعتصاب‌ها کم‌کم دارد رنگ و بوی امنیتی به خود می‌گیرد و اگر وزارت نفت به فکر تغییر رویه خود نباشد، باید پاسخگوی بسیاری از مسائل و مشکلاتی باشد که ممکن است دردسرهای بزرگی بیافرینند. رسیدگی به مطالبات شرکت‌های پیمانکار به معنای سوءمدیریت مالی در نفت نیست بلکه نشان‌دهنده مهم بودن معیشت کارکنان و کارگران برای نظام است که امید است مسئولانی که یکبار دیگر مورد وثوق قرار گرفته‌اند، سمت‌های خود را فرصتی برای خدمتگزاری دریابند و نه بستری برای حرکت معکوس!

خبر

رئیس هیئت مدیره انجمن تابلوهای برق ایران خبر داد

استفاده از محصول مشابه داخلی به اسم «فاینانس»

رئیس هیئت مدیره انجمن تابلوهای برق ایران با اشاره به اینکه در برخی پروژه‌های دولتی از تابلوهای برق وارداتی که مشابه آن در داخل تولید می‌شود استفاده می‌کنند، گفت: در تأمین تابلو پروژه بید بلند قانون مناقصات داخلی رعایت نشد و تأمین تابلو برق این پروژه به یک شرکت ایرانی تحت لیسانس زیمنس واگذار شد.

سیدعلی کهفی قانع در گفت‌وگو با فارس، در خصوص واردات کالاها و تابلوهای برق مشابه داخلی گفت: انجمن تابلوهای برق ایران در حال حاضر ۱۶۷ عضو دارد که ۳۰ تا ۴۰ درصد اعضا تحت لیسانس با تکنولوژی بالا فعالیت می‌کنند.

وی با بیان اینکه ظرفیت تولیدی این مجموعه ۲۵۰هزار سلول (واحد تابلو برق) در بهترین شرایط و ۸۵ درصد این تولیدات در داخل مصرف می‌شود، اظهار داشت: واحدها در بهترین شرایط با ۳۰ درصد ظرفیت کار می‌کنند و در حال حاضر این عدد به زیر ۱۰ درصد رسیده است و می‌توان گفت که ۵۰ کارخانه و شرکت عضو این انجمن در حال حاضر فعال نیستند. قانع ادامه داد: تولید تابلو برق در ایران به لحاظ کمی بیش از نیاز داخلی است، بنابراین نیازی به واردات نیست، اما متأسفانه در پروژه‌های دولتی و خصوصی مشاهده می‌شود که از کالاهای مشابه خارجی استفاده می‌شود.

رئیس هیئت مدیره انجمن تابلوهای برق ایران با اشاره به اینکه متأسفانه طبق آمارهای استخراج شده در سال ۹۳ بالغ بر ۴۲/۵ میلیون دلار تابلو برق وارد کشور شده است، خاطرنشان کرد: به همین دلیل نامه‌ای به وزارت نیرو ارسال و آنها را از این اقدام مطلع کردیم، هر چند مسئولیت این اقدام با وزارت صنعت، معدن و تجارت است که باید حامی صنعت باشد.

قانع ادامه داد: ما معترض استفاده از تابلو برق‌هایی هستیم که با نام فاینانس در پروژه‌های وزارت نفت و نیرو با نام سرمایه‌گذاری خارجی توسط سرمایه‌گذاران خارجی وارد کشور می‌شود، این در حالی است که نمونه همان کالای وارداتی در داخل تولید می‌شود.

وی تأکید کرد: تقاضای ما از وزارت نفت و نیرو این است که از تابلو برق‌های ایرانی استفاده کنند و ما آمادگی تأمین آن را داریم.

قانع با اشاره به اینکه تولید تابلو برق ایران از لحاظ تکنولوژی به سطحی از توانایی رسیده که به تازگی قرارداد انتقال و صدور تکنولوژی به روسیه به ارزش سالانه یک میلیون یورو با یک شرکت روسی که سهام آن متعلق به فرانسه است به امضا رسید، گفت: متأسفانه در یکی از مناقصات داخلی در پروژه بید بلند قانون مناقصات داخلی رعایت نشد و از ابتدا با اعلام اینکه تأمین تابلو برق به شرکت‌هایی که تحت لیسانس باشند واگذار خواهد شد، جهت‌گیری دادن این پروژه به یک شرکت مشخص بود. قانع ادامه داد: این شرکت که تحت لیسانس زیمنس آلمان است، برنده این مناقصه به ارزش ۱۰ میلیارد تومان شد، حال انتقاد و سؤال ما این است که آیا بهتر نبود به جای اینکه از ابتدا بگویند شرکت‌های تحت لیسانس باید در مناقصه شرکت کنند، از شرکت‌هایی که کاملاً ایرانی و تاب تست هستند، استفاده می‌شد.

وی تصریح کرد: سؤال اینجاست که برنده این شرکت ایرانی و وابسته و تحت لیسانس زیمنس است و اگر روزی به یکباره شرکت آلمانی نخواهد با این شرکت که تکنولوژی آن ایرانی نیست همکاری کند، چه اتفاقی خواهد افتاد؟